

Study of Adolescents' Psychological Capital and Its Impact on Crime Trends (Isfahan)

Saeed Qhomashi¹, Mina Ahmadi², Mahmood Abbasi³, Hamidreza Salehi⁴

Abstract

Background and aim: Nowadays, in many of the great social harms, the track of positive psychology is outstanding. The purpose of this study is to investigate the relationship between psychological capitals of people with their tendency to crime.

Method: This study was conducted among adolescents in Esfahan by quantitative method and its statistical data has been selected 384 among 613,220 people by using Cochran formula and also has been questioned. Data analysis was performed with the help of the SPSS 18 Software and Amos graphics.

Finding: In studying general assumption, there was a significant negative relationship between the two main variable. That is to say, whatever psychological capital goes high, the tendency to crime will be reduced. However, in studying the minor assumption there was not a significant relationship between self-confidence and tendency to crime which is considerable among adolescents. The modeling results has approved this relationship, as well.

Conclusion: According to the findings, by increasing psychological capital components and emotional strength of people, crime commitment can be reduced. Through this way people will be vaccinated against their problems in life.

1. PhD, Department of Law, Kashan University, Kashan, Iran.

2. PhD Candidate in Criminal Law, Department of Law, Kashan University, Kashan, Iran. (Corresponding author) Email: ahmadym128@yahoo.com

3. PhD, Shahid Beheshti University of Medical Sciences and Health Services, Medical Ethics and Law Research Center, Tehran, Iran.

4. PhD Candidate in Private Law, Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Keywords

Optimism, Psychological Capital, Tends to Crime, Positive Psychology, Hope for Future, Self-Stem, Resiliency

Please cite this article as: Qhomashi S, Ahmadi M, Abbasi M, Salehi H. Study of Adolescents' Psychological Capital and Its Impact on Crime Trends (Isfahan). Iran J Med Law 2016; 10(37): 171-193.

بررسی میزان سرمایه روانشناختی نوجوانان و تأثیر آن بر گرایش به جرم

(نمونه موردی شهر اصفهان)

سعید قماش^۱، مینا احمدی^۲، محمود عباسی^۳، حمیدرضا صالحی^۴

چکیده

زمینه و هدف: امروزه در بسیاری از آسیب‌های بزرگ اجتماعی ردپای روانشناسی مثبت‌نگر بسیار برجسته و کارساز است. هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین سرمایه روانشناختی افراد با گرایش آن‌ها به جرم است. **روش:** این مقاله با روش کمی در میان نوجوانان شهر اصفهان انجام شد که داده‌های آمار آن به کمک فرمول کوکران از میان ۶۱۳۲۲۰ نفر ۳۸۴ نفر انتخاب شده و مورد سؤال قرار گرفته‌اند. تحلیل داده‌ها با کمک دو نرم‌افزار SPSS 18 و Amos graphics 18 انجام شده است.

یافته‌ها: در بررسی کلی فرضیات رابطه معکوس و معناداری بین دو متغیر اصلی وجود داشت، یعنی که هر چقدر میزان سرمایه روانشناختی بالا باشد، میزان گرایش به جرم نیز کاهش می‌یابد، اما در بررسی فرضیات جزئی، رابطه معناداری بین متغیر میزان اعتماد به نفس و گرایش به جرم وجود نداشت. این مسأله در میان نوجوانان قابل تأمل است و نتایج حاصل از مدل‌سازی نیز این ارتباط را تأیید نموده است. **بحث و نتیجه‌گیری:** بر حسب یافته‌های پژوهش، با افزایش مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی و تقویت بنیه روحی روانی افراد می‌توان از معضل اجتماعی جرم در جامعه کاست و بدین طریق افراد را در برابر مشکلات و بن‌بست‌های زندگی، واکنش‌ناپذیر نمود.

واژگان کلیدی

خوش‌بینی، سرمایه روانشناختی، گرایش به جرم، روانشناسی مثبت‌نگر، امید به آینده، اعتماد به نفس، تاب‌آوری

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسؤؤل)
Email: ahmadym128@yahoo.com

۳. دانشیار، رییس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۴. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مقدمه

عوامل زیادی در پیشگیری از جرم مؤثر هستند. پژوهش‌های متعددی در عرصه اجتماعی و روانی در زمینه گرایش به جرم وجود دارد که در این بررسی عوامل روانشناختی آن تحلیل و بررسی میدانی شده است. در زمینه گرایش به جرم از دو بعد می‌توان به موضوع نگرست. در بعد درونی باید دلایل را متوجه زمینه‌های روانشناختی ساخت و در بعد بیرونی علل اجتماعی متعددی دخیل هستند. با تحول روانشناسی مثبت‌نگر می‌توان ریشه بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی را در جامعه حل کرد. رویکرد مثبت‌نگر بر قابلیت گسترش، پرورش، شکوفایی و کمال انسان و تبدیل شدن به آنچه که او می‌تواند باشد، تأکید دارد، ولی نمی‌توان قانونی برای جدایی رفتار مثبت از منفی ایجاد کرد، چون این به فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی هر جامعه بستگی دارد. بنابراین به نظر می‌رسد که تلاش برای جداکردن مثبت و منفی در رفتار، کم‌تر امکان‌پذیر باشد.

از طرف دیگر، مثبت‌گرایی صرف هم مانند منفی‌گرایی صرف خوب نیست، بلکه می‌باید سعی کرد بین آن‌ها تعادل ایجاد کرد. به عنوان مثال، اعتماد به نفس بیش از حد یا کاذب خود می‌تواند به عنوان عاملی مخرب و منفی رفتار عمل کند. به طور کلی، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه رفتار سازمانی مثبت‌نگر حاکی از آن است که ظرفیت‌های روانشناختی مثبت در کنار هم عاملی را با عنوان سرمایه روانشناختی تشکیل می‌دهند (۱). سرمایه روانشناختی مفهوم جدیدی است که به تازگی توسط فرد لوتانز مطرح شده و برگرفته و مشتق شده از رفتار سازمانی مثبت‌نگرست. امروزه بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که سرمایه روانشناختی سازمان‌ها می‌تواند مزیت رقابتی پایداری برای آن‌ها فراهم کند (۱).

مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی از قبیل اعتماد به نفس، امید، خوش‌بینی و تاب‌آوری جزء حالات روانشناختی (در مقابل خصلت‌های روانشناختی) بوده و بنابراین انعطاف‌پذیر و قابل توسعه هستند. در حالی که خصلت‌ها و ویژگی‌های روانشناختی همچون هوش، استعداد و صفات وراثتی ثابت بوده و یا امکان تغییر اندکی دارند. بنابراین حالات روانشناختی افراد بر مقوله‌های زیادی از جمله گرایش افراد بر جرم تأثیر گذارند، البته باید یادآور شد دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی از شتاب بالایی برخوردارگشته به گونه‌ای که بعضاً اثرات نامطلوبی در زندگی اجتماعی ایجاد می‌کند. این مسأله موجب دشواری تطابق اجتماعی می‌شود و در پی آن

به دلیل محرومیت‌های ناشی از برآورده‌نشدن نیازها و خواسته‌ها زمینه ایجاد انحرافات و کج‌روی‌ها فراهم می‌گردد. جرائم افراد در سطح اجتماع به دلیل جریحه‌دارکردن وجدان عمومی مورد پیگرد قرار می‌گیرند و با توجه به آثاری که در قربانی ایجاد می‌کنند، مسأله و دغدغه همه جوامع انسانی است. در دنیای امروزی جرم و کج‌روی مسأله‌ای اجتماعی است، نه یک مشکل اخلاقی (۲).

بنابراین جرم یا تخلف یک واقعیت انسانی و اجتماعی است. جرم یا انحراف از هنجارهای رسمی چنانچه افزایش یابد پایداری، استواری و سلامت جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد و امنیت ملی و استحکام خانواده‌ها را دچار تزلزل می‌نماید. در این پژوهش با سنجش میزان سرمایه روانشناختی افراد در ابعاد مختلف، ارتباط آن با گرایش به جرم تجزیه و تحلیل شده است. اهمیت این پژوهش از آن حیث است که سلامت روان یکی از نیازهای اساسی انسان قرن ۲۱ است و سازمان بهداشت جهانی بر مهیاکردن زمینه‌های شکل‌گیری آن تأکید نموده است، چراکه امروزه جامعه جهانی شاهد کاهش مؤلفه‌های سرمایه روانی افراد و به تبع آن افزایش انواع بیماری‌های روانی بوده است (۳). در نتیجه این امر، ارتکاب جرم نیز که با نواقص روانی مرتبط بوده، افزایش یافته است. بنابراین با توجه به گسترش نیاز به سلامت روان و لزوم عملیاتی کردن آن در هر حوزه علمی، اهمیت این پژوهش احساس می‌گردد.

از طرفی پاسخ به جرم گاه با ابزارهای کیفری و گاه با ابزارهای پیشگیری همراه بوده است. استفاده از ابزارهای پیشگیری براساس قاعده بهتربودن پیشگیری از درمان، هم به لحاظ هزینه و هم از نظر تأثیر، نسبت به ابزارهای سرکوب‌گرانه، مناسب‌تر است (۴). کارهای علمی متعددی در این زمینه ارائه شده است و شواهد نشان می‌دهد که در آغاز روانشناسی بیشتر بر هیجانات منفی مانند اضطراب و افسردگی تمرکز داشت تا بر هیجانات مثبت مانند شادکامی و رضایت، اما در قرن بیست و یکم، یکی از موضوعاتی که توجه بسیاری را به خود جلب کرده روانشناسی مثبت‌نگر است که تأثیر شکر بر مسائل روانی داشته است. روانشناسی مثبت‌نگر به معنای مطالعه علمی عملکرد یک انسان ایده‌آل، علمی است که به جای توجه به ناتوانی‌ها و ضعف‌های بشری، بر توانایی‌های افراد تمرکز دارد (۵). اولین شخصی که این مباحث را به شیوه علمی مطرح کرد، مارتین سلیگمن در سال ۲۰۰۰ بود. او را باید پدر روانشناسی مثبت دانست.

اصطلاح سرمایه روانشناختی که زیرمجموعه‌ای از روانشناسی مثبت‌نگر است به تازگی

توسط فرد لوتانز (اولین و بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز رفتار سازمانی) معرفی شد. لوتانز و همکارانش این اصطلاح را در سازمان‌ها به عنوان یک عامل ترکیبی و منبع مزیت رقابتی سازمان‌ها مطرح کردند. بر اساس تحقیقات آن‌ها، ارتقای سرمایه روانشناختی منجر به ارتقای سرمایه انسانی (دانش و مهارت‌های افراد) و سرمایه اجتماعی (شبکه روابط میان آن‌ها) در سازمان می‌شود. بنابراین سرمایه روانشناختی ابتدا در محیط کار مطرح شد، اما امروزه پژوهش‌هایی در خصوص تأثیر این سرمایه در سلامتی، عملکرد تحصیلی، عملکرد ورزشی و... به انجام رسیده و همین پژوهش‌ها منبع غیر مستقیم این تحقیق هستند، زیرا در زمینه جرم‌شناسی تاکنون به این مفهوم توجه نشده و هیچ اقدام تحقیقاتی صورت نگرفته است. همچنین در این باره تاکنون نظریه و تئوری مستقل حداقل درون مرزی مطرح نگردیده است و این خلأ مهم باعث شده تا این پژوهش حلقه اتصال مطالعات روانشناسان مثبت‌نگر و مطالعات جرم‌شناسی در زمینه پیشگیری از جرم باشد.

بنابراین در این پژوهش به یکی از راهکارهای پیشگیری از جرم، یعنی تقویت سرمایه روانی پرداخته شده است. امید است از این طریق گامی در جهت کاهش جرائم برداشته شود. همچنین مباحث این پژوهش برای افراد و نهادهایی (نظیر خانواده، مدرسه، گروه همسالان و آموزش و پرورش) که نقش مؤثری در تقویت ویژگی‌ها و حالات مثبت روانی فرد دارند به منظور تقویت خودکنترلی و خویشتن‌داری در فرد، قابل بهره‌برداری است. از طرف دیگر، گرایش به جرم و اعمال مجرمانه افراد در جامعه به طور مستقیم بر امنیت و احساس امنیت آنان تأثیر می‌گذارد و نظر به این‌که نوجوانی مرحله‌ای تأثیرگذار در زندگی افراد بوده است، شناخت روحیات افراد در این سن و بررسی میزان تمایلات و گرایش‌های آنان تأثیر سازنده‌ای بر آینده آن‌ها دارد، زیرا ضرورت توجه به گسترش جرائم در این مرحله از زندگی خصوصاً از آن جهت که زمان فرایند جامعه‌پذیری است و برخی از آن‌ها به دلیل عدم تطابق اجتماعی با محیط، جرائم و انحرافات فراوانی را مرتکب می‌شوند، حائز اهمیت است. به علاوه، وجود و گسترش جرم به عنوان یکی از موانع جدی و مهم در امر توسعه کشور به شمار می‌آید. از این رو هدف کلی این پژوهش تعیین رابطه بین سرمایه روانشناختی با گرایش به جرم در میان نوجوانان شهرستان اصفهان است.

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

۱- مفهوم روانشناسی مثبت‌نگر

روانشناسی مثبت‌نگر می‌کوشد تا با اتخاذ رویکردی عملی و کاربردی به کشف نقاط قوت مردم و ارتقای عملکرد مثبت آن‌ها بپردازد. در سال ۲۰۰۰، گروهی از روانشناسان به رهبری مارتین سلیگمن، تصمیم گرفتند که به بررسی یافته‌های پژوهشی خود در چند سال گذشته با نام مکتب روانشناسی بیماری‌گرا بپردازند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که با وجود دستاوردهای چشمگیری که در یافتن درمان مؤثر برای بیماری‌های ذهنی و رفتارهای ناکارآمد حاصل آمده بود، توجه اندکی به رشد، توسعه و خودشکوفایی افراد سالم شده بود (۶).

به همین دلیل سلیگمن و میهالی (یکی دیگر از پیشگامان روانشناسی مثبت‌نگر) موضوع مهمی را به نام روانشناسی مثبت به انجمن روانشناسان آمریکا مبنی بر این ادعا که روانشناسی فعلی چیزی برای ساختن یک زندگی بهتر ارائه نمی‌دهد، اضافه کردند. این مسأله از آن جهت بود که از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، روانشناسی بیشتر به افسردگی، خشونت و مدیریت خودپنداره و ناپهنجاری پرداخته است و درباره ویژگی‌هایی مانند توانمندی‌ها، سطوحی از شادی و مدیریت شهری کم‌تر سخن گفته است. روانشناسی به صورت استعاره‌ای می‌خواست انسان منفی یک را به صفر تبدیل کند، ولی نمی‌گفت چطور این انسان را از صفر به مثبت یک برسانیم (۷). در واقع کانون توجه تازه این نگرش که روانشناسی مثبت‌نگر، روانشناسی کمال یا روانشناسی سلامت نیز خوانده می‌شود (در مقابل روانشناسی بالینی)، پرداختن به جنبه سالم طبیعت آدمی است. بدین ترتیب مکتب روانشناسی مثبت‌نگر ایجاد شد که به تازگی در حوزه سازمان و مدیریت نیز راه پیدا کرده است و مفاهیم جدیدی مانند رفتار سازمانی مثبت‌نگر توسعه یافت.

۲- مفهوم سرمایه روانشناختی

سرمایه روانشناختی مفهوم جدیدی است که برگرفته و مشتق شده از رفتار سازمانی مثبت‌گرا است. امروزه بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که سرمایه روانشناختی سازمان‌ها می‌تواند مزیت رقابتی پایدار برای آن‌ها فراهم کند. همچنین واژه سرمایه اشاره به ارزش‌داری‌ها و منابع در دسترس که برای یک نیاز خاص مورد استفاده قرار می‌گیرند، دارد. به جای واژه سرمایه می‌توان از اصطلاحاتی مانند دارایی‌ها، منابع یا محرک‌های عملکرد استفاده کرد. سرمایه روانشناختی در یک تعریف شامل درک شخص از خودش، داشتن هدف برای رسیدن به موفقیت

و پایداری در برابر مشکلات تعریف می‌شود (۸). در تعریف دیگر عبارت از آن دسته متغیرهای روانشناسی مثبت‌نگر است که قابل اندازه‌گیری و قابل توسعه و پرورش هستند و امکان اعمال مدیریت بر آن‌ها وجود دارد و به دلیل اهمیت و ارزش، از آن به عنوان سرمایه یاد می‌شود. محققان سرمایه روانشناختی اغلب هم به نحو نظری ثابت کرده‌اند و هم به طور تجربی نشان داده‌اند که سرمایه روانشناختی یک مفهوم مرکزی یا یک مفهوم چندبعدی است. بنابر این اعتقاد، سرمایه روانشناسی توسعه یک حالت روانشناسانه مثبت فردی است که با ویژگی‌های داشتن اعتماد به نفس، خوش‌بینی، امیدواری و تاب‌آوری قابل تعریف است (۹).

۳- مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی

تمامی مؤلفه‌های ذیل در یک فرآیند تعاملی و ارزشیابانه، به زندگی فرد معنا بخشیده و تلاش فرد برای تغییر موقعیت تنش‌زا را تداوم داده، او را برای ورود به صحنه عمل آماده نموده و موفقیت و سرسختی وی در تحقق اهداف را تضمین می‌کند. بنابراین منابع مذکور در سطور آتی در یک نظام به هم پیوسته به تقویت یکدیگر و شکل‌دهی سپری مقاوم در برابر فشارها عمل می‌کنند. از این رو بر اثرات ضربه‌گیر این منابع بر موقعیت‌های پرتنش تأکید شده است (۱۰). در زمینه رفتار سازمانی مثبت‌نگر بر روی چهار مؤلفه خودکارآمدی (اعتماد به نفس) خوش‌بینی، امیدواری و انعطاف‌پذیری تأکید شده و مطالعات و تحقیقات در این حوزه‌ها بیشتر بوده است، زیرا به نظر می‌آید این چهار مؤلفه از مؤلفه‌های اصلی سرمایه روانشناختی است و وجود این ویژگی‌ها در فرد، تضمین‌کننده سلامت روانی اوست (۹).

۴- خوش‌بینی

خوش‌بینی به طور خلاصه به داشتن استناد مثبت درباره موفقیت‌های حال و آینده اطلاق می‌شود. برای اندازه‌گیری خوش‌بینی دو رویکرد عمده مطرح شده است که بر مفهوم‌سازی‌های متمایز از خوش‌بینی مبتنی هستند. پژوهشگران بین خوش‌بینی سرشتی و سبک تبیینی خوش‌بینی تفاوت قائل شده‌اند. خوش‌بینی سرشتی یا گرایش یک انتظار کلی است دایر بر این‌که در آینده، بیشتر رویدادهای خوب اتفاق خواهند افتاد تا رویدادهای بد، اما سلیگمن و همکارانش خوش‌بینی را به جای یک صفت شخصیت، به عنوان یک سبک تبیینی می‌دانند (۱۱). به این صورت که افراد خوش‌بین گرایش دارند که مشکلات خود را به عنوان مشکلات موقتی، مربوط به عوامل بیرونی، قابل کنترل و مختص به یک موقعیت خاص تعبیر کنند.

برعکس، افراد بدبین اعتقاد دارند که مشکلاتشان برای همیشه دوام خواهد داشت، مربوط به عوامل درونی است، تمام کارهایشان را متزلزل می‌کند و غیر قابل کنترل خواهد بود (۱۲).

۵- اعتماد به نفس

اعتماد به نفس تعهد و انجام تلاش برای موفقیت در کارها و وظایف چالش‌برانگیز است. به تعبیر دیگر، اعتماد به نفس عبارت است از میزان شناخت فرد از خود، شایستگی‌ها و لیاقت‌های خود و ارزش و اعتباری که برای توانایی‌های خود در زمینه‌های گوناگون قایل است. لازمه اعتماد به نفس، خودشناسی و احساس اطمینان از توانایی‌های خود است (۱۳). همچنین اعتماد به نفس یا خودکارآمدی از نظریه شناختی - اجتماعی باندورا روانشناس مشهور مشتق شده است که به باورها یا قضاوت‌های فرد به توانایی‌های خود در انجام وظایف و مسؤلیت‌ها اشاره دارد. نظریه شناختی - اجتماعی مبتنی بر الگوی عملی سه‌جانبه رفتار، اثرات محیطی و عوامل فردی (عوامل شناختی، عاطفی و بیولوژیک) است که به ادراک فرد برای توصیف کارکردهای روانشناختی اشاره دارد. بر اساس این نظریه، افراد در یک نظام علیت سه‌جانبه بر انگیزش و رفتار خود اثر می‌گذارند. باندورا اثرات یک‌بعدی محیط بر رفتار فرد را که یکی از فرضیه‌های مهم روانشناسان رفتارگرا بوده است، رد کرد. انسان‌ها دارای نوعی نظام خودکنترلی و نیروی خودتنظیمی هستند که توسط آن نظام، بر افکار، احساسات و رفتار خود کنترل دارند و بر سرنوشت خود نقش تعدیل‌کننده‌ای ایفا می‌کنند (۱۴).

باندورا بر اساس تئوری و تحقیق گسترده‌ای که درباره خودکارآمدی انجام داده است، آن را به عنوان اعتقاد راسخ فرد در توانایی‌هایش در بسیج منابع انگیزشی و شناختی و راهکارهای مورد نیاز برای اجرای موفقیت‌آمیز وظایف خاص در موقعیت‌های معین تعریف کرده است. اگرچه باندورا از واژه اعتماد به نفس بسیار کم‌تر از خودکارآمدی استفاده می‌کند و بسیاری از تئوری‌پردازان، اعتماد به نفس را زیرمجموعه‌ای از خودکارآمدی قرار می‌دهند، با این حال در روانشناسی مثبت‌گرا هر دو واژه می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند (۹).

۶- امیدواری

پایداری در راه هدف و در صورت لزوم تغییر مسیر رسیدن به هدف برای دستیابی به موفقیت امیدواری است. مفهوم امید از نظر نووتنی، نیروی زندگی پویا و بلند، از نظر دارلینگتون، اهمیت حمایت‌شده از سوی دیگران، از نظر هاملستین و روت، برقراری ارتباط نزدیک با ارزش‌های

شخصی و اهداف و از نظر هاقتون، توان دنبال کردن فعالیت‌های روزانه و متحرک‌نگه‌داشتن خود است (۱۵).

اسنایدر از جمله افرادی بود که در سال ۱۹۹۰ نظریه خود با عنوان «نظریه امید» را مطرح کرد، پس از آن این سازه مورد توجه محققان و متخصصان قرار گرفت. از نظر اسنایدر، امید عبارت از ظرفیت ادراک‌شده برای تولید مسیرهایی به سمت اهداف مطلوب و انگیزه ادراک‌شده برای حرکت در این مسیرها است. از این رو امید، یعنی انتظار مثبت برای دستیابی به اهداف است. پژوهش‌ها مشخص کرده‌اند که امیدواری بالا باعث تقویت اعتماد به نفس، خودکارآمدی بالا و بهزیستی افراد می‌شود. همچنین مشخص شده است که کیفیت زندگی با امیدواری و راهبردهای مقابله‌ای ارتباط مثبت دارد، به این معنی که افراد با کیفیت زندگی بالا در رسیدن به اهداف خود مصمم هستند و راهبردهای قدرتمندی را برای رسیدن به اهداف و حل مسائل استفاده می‌کنند (۱۶).

۷- انعطاف‌پذیری

انعطاف‌پذیری، تاب‌آوری و یا تحمل‌پذیری به پایداری و استواری هنگام بروز سختی‌ها و مشکلات برای حفظ و بازیابی خود و حتی فراتر از آن، پیشرفت و ترقی هنگام مواجهه با مشکلات و سختی‌ها اطلاق می‌شود. این مفهوم در طی دو دهه گذشته در حوزه روانشناسی توجه روزافزونی به خود کسب کرده است. مفهومی که گرچه هنوز در مورد ماهیتش توافق چندانی صورت نگرفته، اما به دلیل این‌که یکی از شاخصه‌های سلامت روانی است، اهمیت خاصی دارد (۱۷). تاب‌آوری تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده و حالتی انفعالی در رویارویی با شرایط خطرناک نیست، بلکه شرکت فعال و سازنده در محیط پیرامونی خود و توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی - روانی در شرایط خطرناک است. افزون بر این، پژوهشگران بر این باورند که تاب‌آوری نوعی ترمیم خود با پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی است (۱۸).

باید توجه داشت انعطاف‌پذیری نه تنها شامل توانایی بازیابی خود در مقابل مشکلات، بلکه شامل بازیابی خود در مواجهه با وقایع چالش‌برانگیز و بسیار مثبت (مثل پذیرفته‌شدن نوجوان در دانشگاه عالی) و فراتر از حد معمول رفتن است (۹). برای دستیابی به انعطاف‌پذیری، گروهی از مهارت‌ها و نگرش‌ها مورد نیاز است که در اصطلاح به آن‌ها سخت‌رویی گفته می‌شود. سخت‌رویی

به افراد کمک می‌کند تا در رویارویی با تغییرات تنش‌زا، دشواری‌ها را به فرصت‌هایی پرمفعت تبدیل کنند. نگرش‌های مورد نظر در سخت‌رویی عبارتند از: تعهد، کنترل و چالش‌طلبی. مقصود از تعهد آن است که فرد در رویارویی با شرایط دشوار، به جای ترک صحنه، ترجیح دهد حضور خود را در صحنه حفظ کرده و به افراد درگیر در آن موقعیت، در برطرف کردن دشواری کمک کند. مقصود از کنترل آن است که فرد به توانایی‌های خود برای اثرگذاری بر نتایج رویدادها باور داشته باشد و مقصود از چالش‌طلبی، آن است که فرد در رویارویی با چالش‌ها به جای مقصر قلمداد کردن سرنوشت، درصدد ایجاد فرصت‌هایی برای رشد خود و دیگران باشد. همچنین در شکل‌گیری و بروز رفتارهای سخت‌رویه، فرد باید مهارت‌های حل مسأله و تعامل با دیگران برای تعمیق حمایت‌های اجتماعی را نیز در خود پرورش دهد. در واقع، انعطاف‌پذیری پدیده‌ای است که از پاسخ‌های انطباقی طبیعی انسان حاصل می‌شود و علی‌رغم رویارویی فرد با تهدیدهای جدی، وی را در دستیابی به موفقیت و غلبه بر تهدیدها توانمند می‌سازد (۱۴).

نکاتی در باب مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی

در ارتباط با مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی نکات زیر حائز اهمیت است:

- مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی مذکور در شمار حالات روانشناختی (در مقابل خصلت‌های روانشناختی) بوده و بنابراین انعطاف‌پذیر و قابل گسترش‌اند. در حالی که خصلت‌ها و ویژگی‌های روانشناختی همچون هوش، استعداد و صفات وراثتی ثابت بوده و یا امکان تغییر اندکی دارند. بنابراین حالت‌های روانشناختی را می‌توان در فرد ایجاد و یا تقویت کرد و در زمینه‌های مختلفی از آن بهره برد (۱۹).

- منظور از سرمایه‌های روانشناختی، مؤلفه‌های این سرمایه است و گرنه سرمایه روانشناختی مفهومی کلی است که حتی به شکل مفرد بیان‌کننده همه مؤلفه‌های آن می‌باشد، پس باید توجه داشت که کل سرمایه روانشناختی بزرگ‌تر از مجموعه اعضایش است.

- همه انسان‌ها برخوردار از مؤلفه‌های سرمایه روانی متولد می‌شوند، هرچند نقش ژن‌ها در چگونگی رشد این سرمایه روانشناختی قابل انکار نیست، زیرا ژن‌ها ساختمان وجودی و آرایش بیوشیمی مغز و بدن را تحت تأثیر قرار داده و در این‌که ما چه بشویم، نقش مهمی ایفا می‌کنند. از طریق وراثت ژنتیکی صرفاً میزان و سطح اعتماد به نفس و دیگر مؤلفه‌ها رشد داده شده و سازماندهی می‌شود و این عقیده که کمبود اعتماد به نفس یک عامل ذاتی و ارثی است به تدریج

رو به نقصان رفته و طرفداران خود را از دست می‌دهد. در نتیجه، ثابت شده عوامل زیستی در برخورداری از اعتماد به نفس و دیگر مؤلفه‌ها بی‌تأثیر است، زیرا آنچه موجب تقویت یا ضعف سرمایه روانی می‌شود، محیط است و ژن‌ها فقط در چگونگی رشد سرمایه‌ها مؤثرند (۲۰).

- می‌توان گفت مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی نامحدود بوده و شامل هر ویژگی و هیجان مثبت در فرد است که او را به سوی بهزیستی روانی سوق می‌دهد. این مؤلفه‌ها شامل امیدواری، شوخ‌طبعی، قدرشناسی، بخشش، شجاعت، انعطاف‌پذیری، اعتماد به نفس، معنویت، خوش‌بینی، آینده‌نگری و دیگر ویژگی‌های روانی مثبت است. در زمینه رفتار سازمانی مثبت‌گرا بر روی چهار مؤلفه خودکارآمدی (اعتماد به نفس) خوش‌بینی، امیدواری و انعطاف‌پذیری تأکید شده و مطالعات و تحقیقات در این حوزه‌ها بیشتر بوده است. به نظر می‌آید این چهار مؤلفه از مؤلفه‌های اصلی سرمایه روانشناختی است و وجود این ویژگی‌ها در فرد، تضمین‌کننده سلامت روانی اوست.

- مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی تأثیر متقابل بر یکدیگر خواهند داشت. برای مثال، فرد امیدواری که پویایی و راهکارهای لازم برای دستیابی به اهدافش را در اختیار دارد، بیشتر برانگیخته شده و می‌تواند بر موانع و مشکلات غلبه کند و در نتیجه منعطف‌تر باشد. فرد دارای عزت نفس می‌تواند امیدواری، خوش‌بینی و انعطاف‌پذیری را به وظایف خاص در درون قلمروها و زمینه‌های خاص در زندگی‌اش به کار برده و منتقل کند. فرد انعطاف‌پذیر در استفاده از ساخت و کارهای انطباقی لازم برای واقع‌گرایی و خوش‌بینی مهارت دارد. سرمایه روانشناختی خودکارآمدی، امیدواری و انعطاف‌پذیری می‌توانند به نوبه خود در تغییر سبک تفسیری خوش‌بینانه از طریق درونی‌کردن استنباط این‌که به اوضاع کنترل دارند، نقش داشته باشند. آنچه گفته شد تنها نمونه کوچکی از بسیاری از نتایج مثبتی است که ممکن است در نتیجه روابط متقابل میان عوامل سرمایه روانشناختی به دست آید.

تئوری گرایش به جرم دورکیم

تئوری دورکیم درباره جرم و رفتارهای جنایی تا حدودی از پیچیدگی خاصی برخوردار است. او معتقد است جرم به معنای جامعه‌شناختی کلمه چیزی نیست جز کرداری که وجدان جمعی آن را ممنوع می‌داند. مهم نیست ناظران جوامع دیگر و در زمان‌های دیگر چنین کرداری را معصومانه بدانند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، جرم فقط از خارج و در قبال احوال وجدانی جامعه مورد بحث، تعریف می‌شود. گفتن این‌که کسی از لحاظ جامعه‌شناسی مجرم است متضمن این

نیست که وی نسبت به خدا یا نسبت به طرز تلقی خاص خود ما از عدالت، گناهکار است. مجرم کسی است که در یک جامعه معین از قواعد مدنی آن جامعه سرپیچی کرده است. تعریف جامعه‌شناسی جرم منطقاً به نسبت‌گرایی محض می‌کشد که به صورت انتزاعی تصورش آسان است (۲۱). به نظر دورکیم در گذار تغییر اجتماعی همین که جوامع از یک پایه همبستگی اجتماعی عبور می‌نمایند، ناهنجاری و انفصال فرد از جامعه رخ می‌دهد. به ویژه اگر این انفصال شدید باشد، عدم تنظیم و کنترل و انفصال نه تنها موجب نرخ بالای کج‌روی است، بلکه همچنین موجب مشکلاتی در تثبیت نظم اجتماعی است. از نظر دورکیم جرم در دو جامعه با همبستگی مکانیکی و ارگانیکی به اشکال مختلفی آشکار می‌گردد. تا آن حدی که جامعه در حالت مکانیکی قرار گرفته باشد، جرم امری عادی است. به این معنی که اگر جامعه بدون کنترل باشد، به طور نامعقول بیش از حد مورد کنترل واقع شده است.

از سوی دیگر، همین که جامعه به سمت ارگانیک در حال گام‌نهادن است، وضعیت نابهنجار برای این نوع جامعه امری محتمل است که دورکیم آن را آنومی نام نهاده است. بروز آنومی انواع مختلف نابهنجاری‌های اجتماعی از جمله جرم را ایجاد می‌کند (۲۲). او معتقد است بین فردگرایی و افزایش جرم یا کج‌روی رابطه وجود دارد، یعنی اگر همبستگی اجتماعی در اثر از هم‌گسیختگی و انفکاک بین اعضا ضعیف شود و اعضای خوب جامعه‌پذیر نشده باشند، نمی‌توانند قواعد و قوانین، آداب و سوم و ارزش‌های اجتماعی جامعه را درونی کنند، لذا آن‌ها قادر به همراهی با اعتقادات، اخلاقیات، عقاید و قواعد پذیرفته‌شده جامعه نخواهند بود و احتمال این‌که دچار کج‌رفتاری اجتماعی شوند، بسیار است (۲۳).

فردگرایی از جمله ویژگی‌هایی است که در جامعه ارگانیک و در حال تحول برای افراد به وجود می‌آید. در چنین حالتی فرد خود را تنها احساس کرده و به دنبال امیال و آرزوهای خود است. از آنجایی که از ویژگی‌های جامعه ارگانیک کاهش انسجام گروهی و در نتیجه بروز انحراف است، کانون توجه دورکیم تغییر ساخت جامعه از حالت مکانیکی به ارگانیکی است. دورکیم معتقد است کج‌رفتاری هرچند در همه جوامع اتفاق می‌افتد، اما شکل مدون آن خاص جامعه مدرن با همبستگی ارگانیکی است که در حالت آنومی ظاهر شده‌اند. رشد سریع اقتصاد مدرن بدون رشد نیروهای تنظیم‌کننده آن واقع شده است. در اینجا توسعه اقتصادی برای تنظیم روابط اجتماعی در نظام کافی نیست، بلکه باید تنظیم‌کننده‌های اخلاقی و قواعد هنجاری

مناسب شکل بگیرد (۲۴). اقتدار نیز در یک جامعه تا جایی برای مردم قابل قبول است که این اخلاق با شرایط مادی زندگی مطابقت داشته باشد. حال اگر افراد مجبور به انجام نقش‌هایی شوند که با استعدادهایشان مطابقت نداشته باشد، وضعیت آنومیک پیش می‌آید. در شرایط آنومیک به علت تضعیف هنجارها زمینه مناسب کج‌رفتاری فراهم می‌شود. در نتیجه، منبع اصلی کج‌رفتاری و گرایش به جرم در همبستگی ارگانیک در شرایط آنومیک و اغتشاش اخلاق اجتماعی ناشی از تغییر و تحول سریع و گسترش اهمیت فردگرایی و شکل‌گیری هنجارهایی است که توسعه آرزوهای فردی و محدودنشده را تشویق می‌کنند (۲۴).

روش

رویکرد مقتضی این پژوهش رویکرد کمی است. روش کمی شامل پرکردن پرسشنامه از جامعه‌ای مورد مطالعه است و در دو مورد از این تکنیک استفاده می‌شود. اول وقتی تعداد پاسخگویان و نمونه آماری زیاد و سؤالات متشابه باشد و دوم اگر قصد این باشد که نتایج به جامعه‌های دیگر تعمیم داده شود. بنابراین به اقتضای موضوع که بررسی عوامل روانشناختی و اجتماعی گرایش به جرم در میان نوجوانان شهرستان اصفهان است و با توجه به امکانات، روش پیمایش به منزله مناسب‌ترین روش برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل نوجوانان ۱۲ تا ۱۹ ساله شهر اصفهان است، که بر اساس آمار ارائه‌شده سال ۱۳۹۲ توسط مرکز آمار ایران در شهر اصفهان ۶۱۳۲۲۰ نفر است. بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند.

همچنین در این تحقیق روش نمونه‌گیری جهت دستیابی به نمونه پژوهشی معرف، از نمونه‌گیری سهمیه‌ای و تصادفی استفاده شده است. شهر اصفهان دارای چهارده منطقه شهرداری است که نمونه‌ها در این مناطق شهری بر اساس میزان جمعیت آن‌ها جمع‌آوری شده است. به این صورت که ابتدا متناسب با جمعیت افراد در هر قسمت از منطقه سهمیه‌ای به هر منطقه اختصاص داده شد، سپس در درون هر منطقه به شکل اتفاقی ساده افراد نمونه توسط پرسشگران انتخاب شدند.

بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران هر منطقه ترکیب جمعیتی متفاوتی را دارد و در این ترکیب حجم نمونه‌ها به تناسب جمعیت منطقه انتخاب شده است. برای مثال، ترکیب جمعیتی

منطقه هفت بیشترین جمعیت و بیشترین حجم نمونه را به خود اختصاص داده است و منطقه دو با کمترین جمعیت کمترین حجم نمونه را به خود اختصاص داده است. همچنین در پژوهش حاضر، برای سنجش متغیرها شامل خوش‌بینی، اعتماد به نفس، امیدواری، انعطاف‌پذیری و رابطه آن با گرایش به جرم، جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم و بررسی فرضیه‌ها، از پرسشنامه‌های کتبی استفاده شده و گویه‌های آن بر اساس پایه‌های نظری و تعاریف مفهومی تدوین یافته است. برای تحلیل داده‌ها از دو نرم‌افزار آماری SPSS و Amos استفاده شده است. برای تحلیل‌های رابطه‌ای و توصیف‌های آماری از نرم‌افزار SPSS و برای آزمون مدل پژوهش از نرم‌افزار Amos استفاده شده است. همچنین این پژوهش به صورت پیمایشی در میان نوجوانانی انجام شده است که محقق با جلب اعتماد آنان توانسته است پاسخ‌های قابل اعتمادی را به دست آورد. این جلب اعتماد به این صورت است که افراد در پاسخگویی مختار هستند و هیچ گونه نام و نشانی از آن‌ها سؤال نشده است. همچنین پرسشنامه‌ها و پاسخ‌های آن‌ها به صورت محرمانه نزد محقق محفوظ است.

یافته‌ها

۱- یافته‌های توصیفی

نتایج توصیفی نشان می‌دهد که از نمونه تحقیق ۲۰۸ نفر را پسران و ۱۷۶ نفر را دختران تشکیل می‌دهند که این امر تصادفی بودن نمونه را بیشتر نمایان می‌کند. در زمینه تحصیلات نیز حدود ۳۸٪ پاسخگویان در مقطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی بوده است و میانگین سنی پاسخگویان ۱۶ سال بوده است. همچنین نتایج توصیفی نشان می‌دهد که میانگین سرمایه روانشناختی نوجوانان نمره ۳/۱۱ از حد وسط نمره ۳ بوده است که گویای این واقعیت است که سرمایه روانشناختی نوجوانان بیشتر از حد متوسط بوده است و در همین راستا میانگین تک تک ابعاد سرمایه روانشناختی نتایج مشابهی را نشان داد. بر این اساس، می‌توان گفت بخش عظیمی از پایین بودن میزان گرایش به جرم به خاطر سرمایه روانشناختی آنان است.

۲- یافته‌های استنباطی

میزان سرمایه روانشناختی افراد و گرایش به جرم در سؤالات پرسشنامه با سطح سنجش فاصله‌ای از پاسخگویان پرسیده شده است. با توجه به اعداد به دست آمده، یعنی سطح معناداری

کمتر از ۵٪ (کمتر از $p=0/001$) و ضریب همبستگی پیرسون منفی ($r=-0/474$)، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معکوس و معنی‌داری بین میزان سرمایه روانشناختی افراد و گرایش به جرم وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه افراد دارای سرمایه روانشناختی بالایی باشند، تمایل کم‌تری به انجام اعمال مجرمانه دارند. در راستای این فرضیه کلی، فرضیات فرعی هم مطرح شده‌اند که مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

در مرحله بعد رابطه بین دو متغیر امید به زندگی با گرایش به جرم مورد بررسی قرار گرفت. در اینجا نیز رابطه بین دو متغیر در سؤالات پرسشنامه با سطح سنجش فاصله‌ای از پاسخگویان پرسیده شده است. با توجه به اعداد به دست‌آمده، یعنی سطح معناداری کم‌تر از ۵٪ (کمتر از $p=0/001$) و ضریب همبستگی پیرسون منفی ($r=-0/771$)، می‌توان این نتیجه را گرفت که رابطه معکوس و معنی‌داری بین میزان امید به زندگی افراد و گرایش به جرم وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه افراد دارای امید به زندگی بالایی باشند، تمایل کم‌تری به انجام اعمال مجرمانه دارند.

میزان اعتماد به نفس افراد و گرایش به جرم در سؤالات پرسشنامه با سطح سنجش فاصله‌ای از پاسخگویان پرسیده شده است. با توجه به اعداد به دست‌آمده، یعنی سطح معناداری بیشتر از ۵٪ ($p=0/066$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($r=0/089$)، می‌توان این نتیجه را گرفت که رابطه مستقیم و ضعیفی بین دو متغیر وجود دارد. در این فرضیه، ضریب همبستگی مثبت بوده، یعنی با افزایش اعتماد به نفس تمایل به جرم نیز بیشتر می‌شود، اما به علت ضعیف بودن همبستگی قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد. به عبارت دیگر، اعتماد به نفس افراد تأثیری در گرایش به جرم ندارد.

در گام بعد نیز رابطه بین دو متغیر خوش‌بینی افراد با گرایش به جرم در سؤالات پرسشنامه با سطح سنجش فاصله‌ای از پاسخگویان پرسیده شده است. با توجه به اعداد به دست‌آمده، یعنی سطح معناداری کم‌تر از ۵٪ ($p=0/001$) و ضریب همبستگی پیرسون منفی ($r=-0/309$)، می‌توان این نتیجه را گرفت که رابطه معکوس و معنی‌داری بین میزان خوش‌بینی افراد و گرایش به جرم وجود دارد، به عبارت دیگر، هر چه افراد دارای خوش‌بینی بالایی باشند، تمایل کم‌تری به انجام اعمال مجرمانه دارند.

همچنین رابطه بین دو متغیر میزان تاب‌آوری با گرایش به جرم در سؤالات پرسشنامه با

سطح سنجش فاصله‌ای از پاسخگویان پرسیده شده است. با توجه به اعداد به دست آمده، یعنی سطح معناداری کم‌تر از ۵٪ ($p=0/001$) و ضریب همبستگی پیرسون منفی ($r=-0/309$)، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معکوس و معنی‌داری بین میزان تاب‌آوری افراد و گرایش به جرم وجود دارد، به عبارت دیگر، هر چه افراد دارای تاب‌آوری بالایی باشند، تمایل کم‌تری به انجام اعمال مجرمانه دارند.

مدل کلی پژوهش

به منظور تعیین شدت و جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر گرایش به اعمال مجرمانه در نوجوانان شهر اصفهان از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. این مدل ترکیبی از مدل مسیر و مدل عاملی تأییدی است. در مدل‌های عاملی که عموماً یک مدل اندازه‌گیری بوده و جزئی از مدل ساختاری است، نحوه سنجش یک متغیر پنهان را با استفاده از دو یا تعداد بیشتری متغیر مشاهده‌شده تعریف می‌کند. همچنین می‌توان گفت در مدل اندازه‌گیری مشخص می‌شود که تعداد متغیرهای مشاهده‌شده برای یک متغیر پنهان تا چه حد تحت تأثیر متغیر پنهان مورد نظر و تا چه حد تحت تأثیر متغیر خطا هستند. همچنین در مدل‌های مسیر تلاش می‌شود تا با مجموعه‌ای از روابط یک‌سویه و دوسویه پدیده یا پدیده‌هایی تبیین شود. مدل‌های ساختاری را می‌توان تا حدی برگرفته از مبانی نظری و چارچوب نظری پژوهش دانست. در مدل ۱ روابط بین متغیرهای پژوهش به صورت مدل معادله ساختاری تدوین و آزمون شده است.

در مدل ۱ تعدادی متغیر مشاهده‌شده یا آشکار در اشکال چهارگوش و تعدادی متغیر پنهان در داخل بیضی یا دایره قرار دارند. بیشتر متغیرهای آشکار به صورت تجمیع چندین گویه حاصل شده‌اند. متغیرهای مشاهده‌شده شامل ۷ متغیر و متغیرهای پنهان شامل ۲ متغیر است که در میان آن‌ها گرایش به جرم متغیر وابسته و سرمایه روانشناختی به عنوان متغیر مستقل در مدل حضور دارند. در مدل فوق، با توجه به جهت پیکان‌ها از سمت متغیر پنهان به سمت متغیر مشاهده‌شده که معرف آن متغیر پنهان است، بیانگر این نکته روش شناختی است که نمره هر پاسخگو در متغیر مشاهده‌شده تحت تأثیر وضعیتی است که آن پاسخگو در دو متغیر پنهان زیربنایی مرتبط با متغیر مشاهده‌شده دارد. برای مثال، در این مدل، متغیر پنهان ما میزان سرمایه روانشناختی با ۴ متغیر آشکار اعتماد به نفس، امید به زندگی، خوش‌بینی و تاب‌آوری هر کدام با تعدادی شاخص اصلی که از ترکیب مجموعه‌ای گویه حاصل شده‌اند، تعریف شده‌اند.

در مدل ۱ میزان سرمایه روانشناختی رابطه معکوسی با گرایش به جرم دارد. ضریب تأثیر میزان سرمایه روانشناختی بر گرایش به جرم (۰/۶۰-) بوده که به معنای تأثیر معکوس است. بدین معنی که هر چقدر سرمایه روانشناختی بالا باشد، میزان گرایش به جرم در نوجوانان کم‌تر می‌شود. در همین راستا، دو متغیر پنهان با شاخص‌هایی تعریف عملیاتی شده‌اند که اثر همه شاخص‌ها بر متغیر اصلی معنادار بوده است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که محقق توانسته است که این متغیرها را به بهترین نحو تعریف عملیاتی کند. برای مثال، در متغیر سرمایه روانشناختی شاخص تاب‌آوری با ضریب (۰/۹۸) بیشترین توان تبیین سرمایه روانشناختی را دارد و متغیر خوش‌بینی توان تبیین کم‌تری دارد.

برازش مدل

برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های برازش استفاده می‌شود. شاخص‌های برازش مقادیری آماری را به دست می‌آورند که محقق را در تصمیم‌گیری نسبت به تشخیص یا انتخاب مدل مناسب‌تر، یاری می‌کنند. همچنین شاخص‌های برازش گویای این واقعیت است که داده‌های پژوهش از شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق حمایت می‌کنند. شاخص‌های برازش زیادی وجود دارند، اما پرکاربردترین آن‌ها که در عین حال، پایه و اساس سایر شاخص‌ها محسوب می‌شود، χ^2 است، هر چه مقدار مجذور کای به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده برازش بهتر مدل است. از آنجا که مقدار مجذور کای تحت تأثیر حجم نمونه و تعداد روابط مدل قرار می‌گیرد و مقدار آن بزرگ می‌شود، بنابراین با اتکا بر مقدار مجذور کای نمی‌توان به نتایج مطلوب دست یافت. در نتیجه، در کنار این شاخص، از شاخص‌های دیگری نیز برای برازش مدل‌ها استفاده می‌شود.

شاخص دیگری که برای از میان برداشتن این محدودیت مجذور کای معرفی شده، شاخص χ^2/df است که اگر کوچک‌تر باشد، نشانگر برازندگی الگو است. بر اساس قاعده کلی، شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش تعدیل‌شده (AGFI)، برازندگی تطبیقی (CFI)، نرم‌شده برازندگی (NFI) و نرم‌نشده برازندگی (NNFI) برای مدل‌های خوب بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ تفسیر می‌شوند و مقادیر بالای ۰/۸ نیز نشان‌دهنده برازش نسبتاً خوب مدل هستند. همچنین شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) که لوهین (۲۰۰۴ م.) برای برازندگی این شاخص، پیشنهاد نمود که در صورتی که کوچک‌تر از ۰/۰۸ باشد، نشانگر برازندگی خوب، ۰/۰۸ تا ۰/۱، نشانگر برازندگی قابل قبول و مقادیر نزدیک‌تر به صفر نشانگر بیشترین برازندگی هستند.

در کل شاخص‌های برآزش گویای برآزش مطلوب و مناسبی برای مدل پژوهش هستند (جدول ۱).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که میزان سرمایه روانشناختی نوجوانان اصفهان در حد متوسط رو به بالا بوده و همین مسأله بر میزان گرایش به جرم آنان اثر معکوسی داشته است. در همین راستا تک‌تک ابعاد سرمایه روانشناختی و تأثیرشان بر گرایش به جرم آزمون شد و نتایج نشان داد که بین میزان تاب‌آوری افراد با گرایش به جرم در میان نوجوانان شهرستان اصفهان رابطه وجود دارد. در ادامه نیز فرضیه دوم نشان داد که بین میزان خوش‌بینی افراد با گرایش به جرم در میان نوجوانان شهرستان اصفهان رابطه وجود دارد. در فرض سوم بین میزان اعتماد به نفس افراد با گرایش به جرم در میان نوجوانان شهرستان اصفهان رابطه وجود داشت، هرچند این رابطه ضعیف بود و این موضوع در بین نوجوانان قابل تأمل است و می‌توان این گونه نتیجه گرفت که در بین نوجوانان افزایش اعتماد به نفس به اندازه دیگر متغیرها در کاهش جرم تأثیری ندارد. در فرضیه چهارم بین میزان امید به زندگی افراد با گرایش به جرم در میان نوجوانان شهرستان اصفهان باز هم رابطه وجود داشت. در نهایت آخرین فرض نشان داد که بین میزان سرمایه روانشناختی افراد با گرایش به جرم در میان نوجوانان شهرستان اصفهان رابطه وجود دارد.

از آنجایی که هیچ پژوهشی دقیقاً با این عنوان انجام نشده، نمی‌توان این نتایج را با سایر یافته‌ها مقایسه کرد، اما از آنجایی که یکی از جالب‌ترین و در عین حال، پیچیده‌ترین حوزه‌های جامعه‌شناسی، مطالعه و بررسی گرایش به جرم و کجروی است که اخیراً در میان اندیشمندان و پژوهشگران روانشناسی و جامعه‌شناسی به عنوان موضوعی حساس و قابل تحلیل، مورد بررسی و کنکاش عمیقی قرار گرفته است، با نگاه کردن به دنیای اطراف خود متوجه خواهیم شد همان قدر که مردم از هنجارها پیروی می‌کنند، به تبع آن تخطی و سرپیچی از قوانین اجتماعی نیز وجود دارد. جرم و گرایش به انجام اعمال مجرمانه فقط ویژه افراد خاصی نیست، به قول گیدنز ما گاهی اوقات قواعد رفتاری مورد پذیرش عمومی را زیر پا می‌گذاریم که گاه نقض این هنجارها و قواعد، سازمان‌یافته و عمدی و گاه سازمان‌نیافته و غیر عمدی است، البته نوع آن متفاوت بوده و درجه انحراف بر حسب قضاوت جوامع و گروه‌های گوناگون یک جامعه متفاوت است.

با توجه به این که ایران جامعه‌ای در حال گذار یا در حال توسعه است، در چنین جامعه‌ای با تغییر نظام‌ها و ساختارهای سنتی نظیر اجتماعات عشایری و روستایی و گسترش شهرنشینی، تحرکات جمعیتی و اجتماعی و تشدید تعاملات بین فرهنگ‌ها و اقوام و ملل گوناگون، اغلب مردم، به ویژه نوجوانان و جوانان، در برابر الگوهای محلی، ملی و جهانی متفاوت و بعضاً متعارض قرار گرفته‌اند. بسیاری از افراد با کنده شدن از بنیادهای سنتی و در ضعف نبود ساختارهای نوین مدنی یا تشخیص ندادن الگوهای مناسب، به تعارض، سردرگمی و بلاتکلیفی دچار می‌شوند و در چنین وضعیتی زمینه نابسامانی اجتماعی و پیدایش بحران کج‌روی‌ها پدید می‌آید.

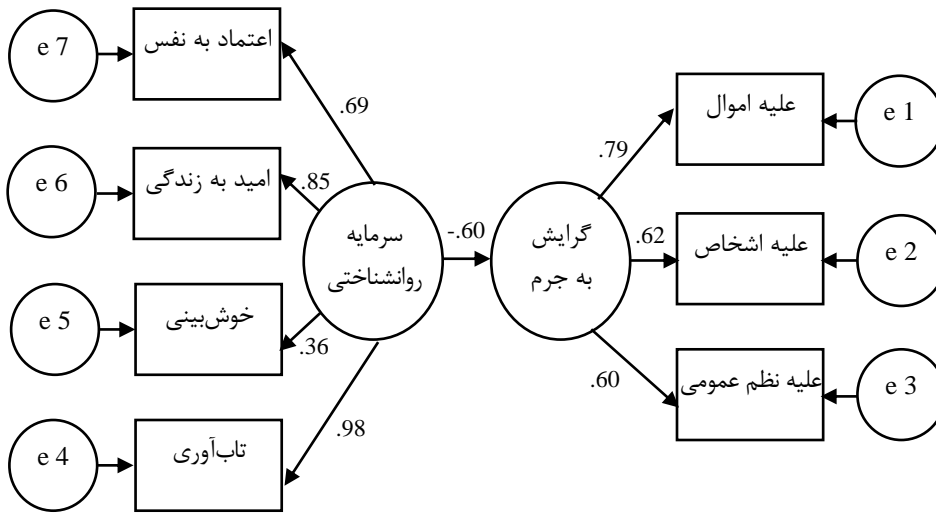
در این میان برای افراد مؤلفه‌هایی مانند روانشناسی مثبت و ابعاد آن می‌تواند در راستای کاهش آلام بشری و مسائل و مشکلات آن‌ها بسیار مفید و سازنده باشد. در این پژوهش با تبیین علی میزان سرمایه روانشناختی بر گرایش به جرم افراد نتایج جالبی به دست آمده است. در بررسی کلی فرضیات رابطه معکوس و معناداری بین دو متغیر اصلی وجود داشت، یعنی که هر چقدر میزان سرمایه روانشناختی بالا باشد، میزان گرایش به جرم نیز کاهش می‌یابد. در مدل پژوهش که از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است، با توجه به پیشینه نظری و ادبیات پژوهش، مدل تدوین گردیده، سپس با اطلاعات آماری موجود در پرسشنامه‌ها به آزمون گذاشته شده است. این نتیجه در مدل معادله ساختاری نیز مورد تأیید واقع شد و نتایج حاصل از مدل‌سازی مؤید همین موضوع بود.

محدودیت‌های پژوهش

از محدودیت‌های این پژوهش علاوه بر بدیع بودن موضوع می‌توان به پاسخگویی نوجوانان به سؤالات گرایش به جرم اشاره کرد که محقق ناچار بود برای جلب اعتماد آنان وقت زیادی را اختصاص دهد.

جدول ۱: شاخص‌های برازندگی مدل

شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار
CMIN	۵۲۹/۰۶۹	GFI	۰/۹۶۵	NFI	۰/۸۴۳
RMSEA	۰/۰۸۹	AGFI	۰/۸۴۳	RFI	۰/۸۸۷
CMIN/DF	۱۲/۱۴۵	CFI	۰/۸۱۵	HOELTER	۳۲۲



مدل ۱: مدل معادله ساختاری برای تبیین گرایش به جرم در نوجوانان

References

1. Khalatbari J, Bahari S. The relationship between resilience and life satisfaction. *Journal of Educational Psychology* 2010; 2(1): 83-94. [Persian]
2. Ejlali P. Take a look at crime statistics in Iran. *Articles of social pathologies in Iran*, Iranian Sociological Association, Tehran: Agah; 2004. p.349. [Persian]
3. Farghadan A. Mental Health. *Eastern Mediterranean Health Journal* 2015; 10(125): 3-6. [Persian]
4. Rajabipur M. Principles of prevention of juvenile delinquency. Tehran: Montahi; 2008. p.108. [Persian]
5. Seligman ME, Csikszentmihalyi M. Positive psychology: An introduction. *Journal of American psychologist* 2000; 55(1): p.5-14.
6. Hasani R, Ahmadi M, Mirdarivandi R. The relationship between Islamic optimism, Seligman learned optimism and mental security. *Journal of Psychology and Religion* 2011; 4(4): 75-102. [Persian]
7. Qasemi N, Qoreishian M. Positive psychology the new approach of psychology to human nature. *Journal of new of Psychotherapy* 2009; 51(15): 98-114. [Persian]
8. Fayazi M, Simarasl N, Kaveh M. Using positive psychology in management and organizational leadership (growing movement). *National Conference on Challenges of leadership and management in Iranian organizations*, Islamic Azad University; 2010. p.4. [Persian]
9. Jamshidian A, Forouhar M. Psychological capital organization. Tehran: Aeej; 2013. p.1, 36, 38, 112. [Persian]
10. Hashemi Nosratabad T, Babapoor Kheiroddin J, Bahadori Khosroshahi J. The role of psychological capital in Psychological well-being According to the the effects of social capital. *Journal of Research in Social Psychology* 2011; 1(4): 123-144. [Persian]
11. Pasha Sharifi H, Najafi Zand J. [Translation of Positive Psychology]. Kar A (Author). Tehran: Sokhan; 2012. p.171. [Persian]
12. Tabrizi M, Karimi R, Nilourari A. [Translation of Inner happiness]. Seligman M (Author). Tehran: Danjeh; 2010. p.19. [Persian]

13. Behpajoo A. Confidence in children and make recommendations for strengthening it. *Journal of links* 2010; 28(372): 28-33. [Persian]
14. Ansari S. The relationship between psychological capital and mental health and job Frazzle primary school teachers Chaloo, psychology. MA Dissertation. Kashan Iran: University of Kashan; 2013. p.152. [Persian]
15. Keraskian A. Psychological Tools/ scale hope of teens. *Journal of Grow School Counselor* 2013; 9(33): 34-35. [Persian]
16. Beigi A, Farahani M, Mohammadkhani SH, Mohammadifar M. Diagnostic role of quality of life and hope for addicts Unknown and Addicts on methadone maintenance treatment. *Journal of Clinical Psychology* 2011; 3(3): 75-84. [Persian]
17. Keshtkaran T. The relationship between family communication patterns and resiliency in students of university of Shiraz. *Journal of Knowledge and Research in Applied Psychology* 2009; 11(39): 43-53. [Persian]
18. Karami J, Zakie EA, Alikhani M. Relationship between religious orientation with the resilience and optimism in student's university of Razi. *Jornal of Culture at the Islamic University* 2012; 2(3): 243-256. [Persian]
19. Avolio BJ, Luthans F. The high impact leader: Moments matter in accelerating authentic leadership development. New York: McGraw-Hill; 2006. p.83.
20. Asqharipoor H, Asqharipoor N. [Translation of Top confidence]. Linden Feeld G (Author). Tehran: Sprout Grow; 2005. p.41. [Persian]
21. Parham B. [Translation of The basic steps of the process of thought in sociology]. Aron R (Author). Tehran: Cultural and Scientific Publications; 2005. p.368. [Persian]
22. Salasi M. [Translation of Sociological theory in modern times]. Ritters J (Author). Tehran: Scientific Publications; 2000. p.84. [Persian]
23. Malekian L, Sharifian S. Study of Social factors affecting crime in Women prisoners. *Journal of Social Research* 2009; 2(5):143-169. [Persian]
24. Bokharai A. Sociology of social deviations in Iran. Tehran: Echoes of community; 2007. p.71-73. [Persian]